

عنوان مقاله:

بررسی آیین مرگ در مثنوی مولانا و دیوان عطارنیشابوری

محل انتشار:

پنجمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی) (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسندگان:

علی نجفی - استادیار و هیات علمی دانشگاه فرهنگیان شهید مقصودی همدان

علیرضا آتش زر - دانشجوی کارشناسی دبیری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شهید مقصودی همدان

کوثر ملک محمدی - دانشجوی کارشناسی طراحی صنعتی دانشگاه علامه ی قزوینی

خلاصه مقاله:

بی تردید مرگ و مرگ اندیشی همواره هسته ی مرکزی اندیشه ی شاعران، نویسندگان، عرفا و اندیشمندان در طول تاریخ بوده است به همین علت در ادبیات فارسی سهم عظیمی از آثار به مرگ تعلق دارد. شاعران عارفی مانند عطار و مولوی پیوسته مرگ را در آثارشان ستوده اند و معتقدند کسی را یارای گریز از مرگ نیست. در این پژوهش مرگ در آثار هر دو شاعر بررسی شده و هر یک به صورت مقوله ای و مستقل به مسایل مختلف آن می پردازد از جمله: تعریف مرگ، انواع مرگ، مرگ اختیاری، مرگ معنوی، نیاز و فقر، رابطه ی مرگ و عشق، چگونگی مرگ و همگانی بودن آن بحث می شود. با مقایسه ی مولوی و عطار مشخص می شود که نقطه ی اشتراک ایشان در این مورد، مرگ معنوی یا مرگ ارادی می باشد. اما تفاوت آن ها در این می باشد که مولوی در مساله یمرگ بسیار طرب انگیز و آماده است و مرگ را شیرین تر از شهد عسل می خواند و تردیدی نسبت به آن ندارد ولی عطار با وجود اینکه از مرگ نمی هراسد و معتقد به مرگ معنوی نیز می باشد، لحظاتی را که به یاد مرگ می افتد غمگین و محزون است و آرزومی کند که کاش پا به این دنیا نمی گذاشت.

کلمات کلیدی:

عرفان، عطارنیشابوری، مثنوی، مرگ، مولوی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/849683>

